

آموزش کارآفرینی در آموزش عالی: چالش‌ها و راهبردها

اسد حجازی*
عبدالرحیم نوه ابراهیم**
محمدرضا بهرنگی***
حسن‌رضا زین‌آبادی****

چکیده

هدف این مقاله، شناسایی چالش‌ها و ارائه راهبردهایی برای توسعه و بهبود آموزش کارآفرینی در آموزش عالی می‌باشد. بر طبق تحلیل و توصیف پژوهش‌های مرتبط به آموزش کارآفرینی، اهم چالش‌های آموزش کارآفرینی عبارتند از: منابع درسی، دانشکده‌ها و مراکز آموزش کارآفرینی، فناوری، اعتبارات، ارتباط جامعه دانشگاهی با تجارت و کسب و کار، استادان و پژوهش. این مقاله، ضمن ارائه راهبردهای بهبود وضع موجود، پیشنهادهایی را نیز برای مدیران، تصمیم‌سازان و پژوهشگران آتی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، آموزش عالی، چالش‌ها، راهبردها.

Email:azer1383@yahoo.com

* دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی،

** استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی.

*** استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی.

**** استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی.

دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۲۰ تصویب نهایی: ۹۲/۰۶/۰۵

مقدمه

بنابر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر، کارآفرینی عبارت از: فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصراً به فردی از منابع به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌هاست. به زعم "هیسریچ"^۱، "پیترز"^۲ و "شفرد"^۳ (۲۰۰۵) و جانسون^۴ (۲۰۰۶): کارآفرینی یک مقوله چندوجهی پیچیده است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است. به نظر بیشتر صاحب‌نظران، کارآفرینی و کارآفرینان سهم به‌سزایی در توسعه اقتصادی دارند. هر چند برخی محققان هنوز در وجود رابطه معنادار بین افزایش کارآفرینی و میزان اشتغال و رشد اقتصادی در تردید به‌سر می‌برند (باپتیستا و پرتو، ۲۰۰۶). اما تقریباً تمام اندیشمندان این حوزه، معتقدند که کارآفرینی و کسب و کارهای نوپا سهم به‌سزایی در رشد اقتصادی هر جامعه‌ای دارند (باپتیستا^۵، اسکاریا و مادرگا^۶، ۲۰۰۵)؛ از این‌رو، کشورهای مختلف در سه دهه گذشته در زمینه کارآفرینی برای فائق آمدن بر مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی به راه‌حلهایی از جمله، آموزش کارآفرینی، توسعه فرهنگ کارآفرینی، انجام حمایت‌های لازم از کارآفرینان، انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در این زمینه روی آورده‌اند (مقیم، ۱۳۸۳). آموزش کارآفرینی روندی است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی با فعالیت‌های مک‌کله‌لند^۷ و آموزش بازرگانان هندی آغاز شد و از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به آن اهمیت جدی یافت. بعد از آن دانشگاه‌ها با ایجاد دوره‌ها و حتی رشته‌های کارآفرینی اقدام به تربیت علاقه‌مندان و دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) کرده‌اند و امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های مؤسسات آموزشی تبدیل شده است (دایرةالمعارف کارآفرینی، ۱۳۸۳: ۹۵). برای مثال در آمریکا بیش از ۲۲۰۰ واحد درسی در این زمینه در بیش از ۱۶۰۰ واحد آموزشی ارائه می‌شود (کاتز^۸، ۲۰۰۳). در رابطه با آموزش کارآفرینی دو مفهوم در ادبیات مشاهده می‌شود:

1. Hisrich
2. Piter
3. Shepherd
4. Johnson
5. Baptisa
6. Madruga
7. Mc.Clelland
8. Katz

۱. آموزش ویژگی‌های کارآفرینانه، به دامنه وسیعی از شایستگی‌ها و توانمندی‌ها برای یادگیری کارآفرینانه تأکید دارد؛

۲. آموزش کارآفرینی، تأکید بر ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌هایی دارد که افراد برای راه‌اندازی، رشد و مدیریت کسب و کار بایستی به آنها مجهز شوند (کوریلسکی^۱، ۲۰۰۴: گیب^۲، ۲۰۰۲).

به زعم گارتنر^۳ (۱۹۹۴) موضوع اصلی در زمینه آموزش کارآفرینی این است که آموزش این مقوله با آموزش دیگر مقوله‌ها مثل اشتغال تفاوت دارد. دیگر زمینه کاری و تحقیق که برای آموزش کارآفرینی اهمیت دارد، شامل: آگاهی از تعداد مشاغلی که کارآفرین می‌تواند انتخاب کند (هیلز^۴، ۱۹۸۸). این دانشمندان دریافتند که یادگیری در زمینه انتقال تجربیات و در مقایسه با مطالعه کتب درسی، هم فراگیرتر است و هم کاربردهای متنوعی دارد. ابزارهایی که در آموزش کارآفرینی به کار می‌روند شامل مواردی از این دست هستند: طرح‌های کسب و کار، شروع به کار دانشجویان در فعالیت‌های اقتصادی، مشاوره با کارآفرینان شاغل، مصاحبه با کارآفرینان و بررسی‌های محیطی و قرار گرفتن در محیط‌های واقعی (هیلز، ۱۹۹۸؛ کلات^۵، ۱۹۸۸؛ و سالمن^۶ و همکاران، ۲۰۰۲). وقتی از آموزش کارآفرینی بحث می‌شود به معنی آن است که ما سه قضیه یا فرضیه بدیهی را قبول کرده‌ایم: فرضیه اول می‌گوید، کارآفرینی می‌تواند یاد گرفته شود و آن منحصرأ یک توانایی ذاتی نیست. دوم اینکه: کارآفرینی همچنین می‌تواند تدریس شود. این بدان معنی است که یادگیری تنها از طریق تجربه کردن در زمینه و شرایط کارآفرینانه کار کردن به دست نمی‌آید، بلکه از طریق تلاش‌های آموزشی نیز می‌تواند صورت پذیرد. همچنین بر طبق فرضیه سوم: آموزش کارآفرینی می‌تواند از طریق دوره‌هایی که از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برگزار می‌شود، انجام پذیرد (کلاندت، ۲۰۰۶: ۱۶). بنابراین، بایستی مأموریت، اهداف و فعالیت‌های دانشگاهی در موقعیت کنونی رویکردی کارآفرینانه داشته باشد. همان‌گونه که در جدول (۱) نشان داده شده است، در مأموریت دانشگاه‌های دنیا تغییر و تحولات عظیمی به وجود آمده است که دانشگاه‌های ما از این قاعده مستثنا نیستند و باید برای تأثیرگذاری بیشتر در جامعه و ایجاد ارتباط تنگاتنگ با آن الگوهای مطلوبی را اتخاذ و اعمال کنند.

1. Kourilsky
2. Gibb
3. gartner
4. Hills
5. kalat
6. Solomon

جدول (۱) توسعه مأموریت‌های دانشگاه

پیامد	آموزش	پژوهش	کارآفرینانه
	حفظ و انتشار دانش	اولین تحول دانشگاهی	دومین تحول دانشگاهی
	مأموریت‌های جدید باعث تنش می‌گردد	دو نوع مأموریت: آموزش و پژوهش	مأموریت سوم: توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ مأموریت‌های قبلی نیز ادامه می‌یابد.
	حفظ دانش و توسعه آن پرورش متخصص	حل مسایل و مشکلات جامعه؛ توسعه فناوری	سرمایه کردن دانش، ایجاد ثروت و رفاه؛ ایجاد شغل؛ پیشرفت جامعه

Etzkowitz, 2000, p: 20

از زمان پیدایش و شکل‌گیری دانشگاه‌ها مأموریت و وظیفه اصلی آنان از طریق آموزش حفظ و انتقال دانش بوده است اما با رشد و پیشرفت جامعه و افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی و در نتیجه، افزایش میزان فارغ‌التحصیلان، مأموریت دانشگاه فراتر از سطح آموزش و تربیت نیروی متخصص قرار گرفت؛ به طوری که از دانشگاه برای افزایش تعداد فارغ‌التحصیل این انتظار قوت گرفت که نقش و مأموریت خود را تغییر داده و با انجام پژوهش در جامعه برای مشکلات و مسائل آن راه حل مناسب ارائه دهد.

چالش‌های مربوط به کارآفرینی در ایران را می‌توان نتیجه تحولات پیچیده و غیر قابل پیش‌بینی جامعه دانست. دانشگاه‌ها می‌بایست با تقاضای روزافزون اتکا به نفس و استقلال بیشتر و برنامه‌ریزی‌های راهبردی با رویکرد کارآفرینانه روبه‌رو شوند، که هم‌زمان باعث به وجود آمدن فرصت‌های بیشتر و بالا رفتن میزان ریسک می‌شود. برای فعالیت در این فضا، می‌بایست به صورت رقابتی، منابع موجود را تا حد اکثر ممکن به کار گیرند و همچنین فرصت‌های جدید و متنوع یادگیری برای خود و برای دانشجویان به وجود آورند. بنابراین، می‌توان گفت، اگرچه موضوع آموزش و پرورش کارآفرینان از ابتدای برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته، اما نخستین گام رسمی برای آموزش کارآفرینی با تصویب طرح کاراد در سال ۱۳۷۹ برداشته شده است. اما، وقتی به مقایسه آموزش کارآفرینی در سطح دانشگاه در ایران و سایر کشورها به خصوص کشورهای اروپایی و امریکایی توجه می‌شود، علاوه بر مشخص شدن میزان فاصله بسیار زیاد با آنها، به ناکافی بودن آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور برخورد می‌شود (آراسته، ۱۳۸۲). بنابراین، وجود چالش‌های سخت و دشوار در

تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر حاضر که در نتیجه آهنگ سریع پیشرفت‌های فناورانه، پویایی اقتصاد جدید، جهانی شدن و غیره به وجود آمده است، نظام‌های آموزشی نیز باید در حال تغییر باشند. این بدان معناست که دانشگاه‌ها باید در باره ارتقاء و توسعه آموزش کارآفرینی بیندیشند. آموزش کارآفرینی خویش‌فرمایی را به عنوان یک مسیر شغلی پایدار و جایگزین تقویت کرد و دانش، شایستگی‌ها و توانایی‌های دانشجویان را که برای ایجاد و راه‌اندازی یک شرکت لازم و ضروری است، در اختیار آنان قرار داد. هرچند می‌توان ادعا کرد که بحث قانونی شدن آموزش رشته کارآفرینی طی چند سال اخیر و در حال حاضر و با وضع کنونی در کشورمان تا حدود زیادی حل شده است، اما هنوز هم موانع و چالش‌های زیادی بر سر راه این رشته نوپا وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها مؤید این است که میزان سرمایه‌گذاری و عدم توجه به ابعاد مختلف آن در اجرا، تمرکز بر آموختن دانش نظری به جای دانش کاربردی و مهارتی، عدم توجه به پرورش خلاقیت و توان ابتکاری یادگیرندگان، عدم تناسب محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار، عدم جدیت در آموزش دروس عملی و ناکارآمدی دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی کشور در عرصه کار از معضلات عمده این نظام در آموزش کارآفرینی است. (حاجی میررحیمی و همکاران، ۱۳۸۸ و حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، در این پژوهش سعی بر آن است، ضمن شناسایی مشکلات و چالش‌های توسعه آموزش کارآفرینی با استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه، راهبردهای لازم ارائه شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت تحقیق توصیفی - تحلیلی است و در آن از روش تحلیل محتوایی برای بررسی اسنادی استفاده شده است. نمونه آماری از بین تحقیقات انجام‌شده در زمینه آموزش کارآفرینی به عنوان نمونه هدفمند و در دسترس برای مطالعه انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پژوهش مبتنی بر فیش، چک لیست‌ها و فرم‌های محقق‌ساخته بوده و تحلیل محتوا شده است.

یافته‌ها

چالش‌های آموزش کارآفرینی: از آنجا که هر برنامه تازه‌ای معمولاً با دشواری و مشکلات خاص مواجه می‌شود و با توجه به اینکه در زمینه آموزش توسعه کارآفرینی

تجربیات لازم و کافی در دانشگاه‌ها وجود ندارد، برخی از چالش‌ها و موانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی عبارت‌اند از:

منابع درسی: از چالش‌های آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان چالش در محتوا و شیوه‌های آموزشی کارآفرینی است. منابع درسی موجود بیشتر فرهنگ استخدام شدن را که در برابر فرهنگ خویش‌فرمایی و ابتکار جویانه فردی قرار دارد، تبلیغ و تشویق می‌کند. به زعم حیدری (۱۳۸۳) نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران به جای کارآفرین بودن کارجو پرور است و با هزینه‌های زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط شکاف‌های شغلی تعریف‌شده نظام سستی اداری را پر کنند. دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است. بنابراین، باید برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشگاهی مورد بازبینی قرار گیرد و موضوعات درسی، دوره‌ها و روش‌های آموزش به سوی کارآفرین‌مداری سوق داده شود.

کمبود تعداد دانشکده‌های کارآفرینی: در آمریکا تعداد دانشگاه‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را آموزش می‌دادند کمتر از انگشتان دست بودند؛ در حالی که در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۲۰۰۰ مورد رسیده است. (کوراتکو^۱ و همکاران، ۲۰۰۵، ترجمه عامل‌محرابی، ۱۳۸۳). همچنین، این آمار در طول دهه گذشته به طور فزاینده‌ای در حوزه‌های مختلف آموزش، پژوهش و ... افزایش داشته است، به طوری که تعداد نشریات علمی در آموزش و پرورش کارآفرینی در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ بیش از ۳۰۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. (ریزا^۲ و واروم^۳، ۲۰۱۱) در نظام آموزش عالی ایران این موضوع شامل کمبود دانشکده‌های کارآفرینی و مراکز کارآفرینی مربوطه می‌شود و در تمامی رده‌های دانشگاهی محسوس است.

فناوری: در سال ۲۰۰۲ میلادی "سولمن"^۴ و همکاران وی در بررسی‌های گسترده خود در زمینه آموزش کارآفرینی با چالش جدید در مورد مسئله فناوری و استفاده از آن رو به‌رو شدند. آنان با استفاده از اطلاعات به دست آمده در باره آموزش کارآفرینی به این نتیجه رسیده‌اند که یک گرایش منفی در مورد استفاده از فناوری روز در زمینه آموزش وجود دارد. این اطلاعات نشان می‌داد که تنها بیست و یک درصد از مراکز

1. Kuratko
2. Rizza
3. Varum
4. Solomon

آموزشی برای ارائه دروس مربوط از فناوری آموزش از راه دور کمک گرفته‌اند. واقعیت این است که این شیوه گسترش و فراگیر آموزش کارآفرینی به سرعت در طول سال‌های آتی ادامه خواهد یافت.

اعتبارات: سؤال مهمی که مطرح است، این است که چه منابعی برای بهره‌برداری و کسب حمایت لازم در دانشگاه وجود دارند؟ یا چه کسانی می‌توانند به آموزش کارآفرینی دانشگاهی کمک کنند؟ بررسی تجربیات دانشگاه‌هایی که در زمینه آموزش کارآفرینی موفق بوده‌اند، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها می‌توانند با تجاری‌سازی دانش موجود خود، استفاده از حمایت مؤسسات بازرگانی محلی و ملی، استفاده از حمایت مقامات دولتی و محلی و کسانی که خدمات حمایتی برای کارآفرینان ارائه می‌کنند از جمله سرمایه‌گذاران ریسکی، مشاوران حقوقی و حسابرسی در موقعیت‌ها و شرایط متفاوتی بهره‌مند شوند؛ برای مثال در دانشکده‌های فنی و مهندسی از طریق تحقیق در باره شرکت‌های پیشرو و دانش‌بنیان و فناوری روز، دانشکده‌های علوم اداری و اقتصادی از طریق مشاوره در خصوص توجیه اقتصادی و فنی طرح‌ها و پروژه‌ها و دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز می‌توانند در باره نحوه طراحی دوره‌های آموزشی و تدوین تقویم‌های آموزشی دوره‌های کارآفرینی و کسب و کار، شیوه آموزشی و مشاوره‌های شغلی و... سودمند واقع شوند.

جامعه دانشگاهی و عدم وجود سازگاری با صنعت و کسب و کار: همواره این پرسش وجود دارد که آیا کارآفرینان در فرایند آموزش موقعیتی هم‌تراز با استادان دارند؟ حتی اگر مؤسسه یا شرکت خاصی بتواند برای ایجاد این سازگاری تلاش‌ها و فعالیت‌های مستمری انجام دهد، باز هم این سؤال باقی است که آیا می‌توان این شکاف ایجادشده را از بین برد؟ یا از رشد آن جلوگیری کرد؟ چه تعامل و گفت و گوی مفیدی صورت گرفته که می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند آموزشی داشته باشد؟ ابتدا باید از یک موضوع مطمئن شد و آن هم این است که آیا استادان کارآفرینی واقعاً به مباحث کلیدی و مفید می‌پردازند؟ آیا در مورد مشکل‌های ریشه‌ای و اصلی قضایا بحث می‌کنند یا به مسائل بی‌ارزش می‌پردازند. این موضوع، مهم‌ترین نگرانی و دغدغه فکری فعالان آموزش کارآفرینی است. دانشجویان این رشته باید به کارآفرینانی که برای رسیدن به وضع کنونی سختی‌های زیادی را تحمل کردند و حتی شکست‌هایی هم داشته‌اند، دسترسی داشته باشند تا از تجربیات آنان سود ببرند.

اساتید: یکی از چالش‌ها و موانع سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در توسعه کارآفرینی، کمبود کادر هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از نظر تعداد، ترکیب، مراتب هیئت علمی و روزآمدی است و این به نوبه خود مهم‌ترین موانع در برگزاری دوره‌های کارآفرینی دانشگاهی نیز به شمار می‌آید. لازم است، ابزارهای پشتیبانی شامل تربیت مربیان و آموزگاران، ارزشیابی و اعطای مدارک، توسعه زیرساخت‌ها و فعالیت‌های توسعه منابع انسانی، استفاده از برنامه‌های آموزشی مناسب اعضای هیئت علمی توانمند و مربیان ماهر برای نائل آمدن به اهداف کارآفرینی تدارک دیده شود. تحقیقات کاتز (۲۰۰۳) اشاره می‌کند که بازار نشریه از مجله‌ها و گاه‌نامه‌هایی اشباع‌اند که بر سر چاپ و انتشار مقاله‌هایی با کیفیت پایین با هم در حال رقابت هستند. از دید وی مشکل دیگر این است که افراد متخصص و خبره در زمینه کارآفرینی را مجبور می‌کنند تا مقاله‌های خود را در گاه‌نامه‌های کارآفرینی چاپ کنند. در ایران، بنا به دلایلی که در جدول (۲) به برخی از آنها اشاره شد، تحقیقات در زمینه آموزش کارآفرینی توسعه نیافته است. بیشتر تحقیقات در زمینه کارآفرینی به مسائل کلی می‌پردازد و در مورد گروه‌هایی غیر از گروه مورد مطالعه مصداق ندارند. همچنین، کمبود تحقیقات و اطلاعات در مورد آموزش کارآفرینی و سنجش میزان موفقیت آنها در یادگیری، رفتار، و منش کارآفرینانه مانع اصلاح و پیشرفت در زمینه آموزش کارآفرینی است. تحقیقات پیرامون آموزش کارآفرینی علاوه بر مسائل کلی لازم است تمام مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه را مد نظر قرار دهد و با توجه به خلأهای موجود در آموزش کارآفرینی راهبردهای کارآمدتر، جست و جو و ارائه شود. تحقیقات لازم است در مسیر ارتقاء و کیفی‌سازی آموزش‌ها قرار گیرد.

جدول (۲) چالش‌ها و راهبردهای آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران

چالش‌ها	راهبردها
منابع درسی	ارائه درس کارآفرینی به صورت یک درس پایه یا تخصصی در رشته‌های مختلف
	توجه به محتوای کاربردی در آموزش کارآفرینی
	استفاده از روش‌های نوین تدریس
تعداد دانشکده‌ها و مراکز کارآفرینی	همکاری با سایر دانشکده‌ها
	ایجاد برنامه آموزش کارآفرینی قوی در امتداد سایر دروس

چالش‌ها	راهبردها
	تخصصی
	توسعه آموزش کارآفرینی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)
	شناسایی فناوری روز
فناوری	توسعه زیرساخت‌ها و دسترسی به اینترنت پرسرعت
	استفاده از رسانه‌های محلی
	آموزش‌های مجازی
اعتبارات	تجاری‌سازی دانش
	جلب حمایت از دولت محلی، منطقه‌ای و ملی
	استفاده از فارغ‌التحصیلان و کارآفرینان موفق
جامعه دانشگاهی و عدم وجود ارتباط با تجارت و کسب و کار	استفاده از فکر و عقیده کارآفرینان با تجربه و موفق بهره‌گیری از تجارب مدیران موفق در عرصه صنعت و تولید
استادان	ارتقاء سطح دانش حرفه‌ای استادان نسبت به برنامه درسی، اهداف، محتوا و روش‌های آموزش کارآفرینی
	ارتقاء سطح دستمزد
	استخدام و به‌کارگیری استادان براساس شایستگی‌های حرفه‌ای
تحقیقات	جست و جوی راه‌های کارآمدتر برای آموزش کارآفرینی در شرایط مختلف
	توسعه تحقیقات در زمینه کارآفرینی با توجه به مسائل کلی و جزئی

با عنایت به مراتب فوق و نتایج جدول (۲) می‌توان گفت که رفع موانع آموزش کارآفرینی قبل از اینکه یک حرکت علمی باشد، باید به یک عزم ملی تبدیل شود و افراد بتوانند استعدادهای کارآفرینانه خود را بدون ترس و با ثباتی اقتصادی و سیاسی پرورش دهند و اطلاع‌رسانی نمایند و در این زمینه صرفاً به کتاب‌ها و مجلات و آموزش رسمی اکتفاء نکنیم.

نتیجه‌گیری

از چالش‌های آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان، چالش در محتوا و شیوه‌های آموزشی، فناوری، اعتبارات، استادان، ارتباط با جامعه کسب و کار و تحقیقات پیرامون موضوع است. منابع درسی موجود بیشتر فرهنگ استخدام شدن را که در برابر فرهنگ خویش‌فرمایی و ابتکارجویانه فردی قرار دارد، تبلیغ و تشویق می‌کند. به زعم حیدری (۱۳۸۳) نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران به‌جای کارآفرین بودن کارجوپرور است و با هزینه‌های زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط شکاف‌های شغلی تعریف‌شده نظام سنتی اداری را پر کنند. دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است. بنابراین، باید برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشگاهی مورد بازبینی قرار گیرد و موضوعات درسی، دوره‌ها و روش‌های آموزش به‌سوی کارآفرین‌مداری سوق داده شود. دستیابی به سطوح بالای رشد و تعالی در کشور، بدون مجهز شدن به کارآفرینی و نگرش‌های کارآفرینانه افراد جامعه مقدور نیست. به همین دلیل امروزه محققان، استادان، دانشجویان و صاحبان کسب و کار آموزش کارآفرینی را به‌عنوان روش ایده‌آل برای تأمین چالش‌های قرن نوزدهم می‌دانند. امروزه تقاضای دانشجویان به آموزش کارآفرینی و نگرش‌های کارآفرینانه بسیار بالاست و دانشگاه‌ها در سراسر جهان برای پاسخگویی به این تقاضاها اقدام به راه‌اندازی دانشکده‌ها، رشته‌ها و دوره‌های کارآفرینی کرده‌اند. در ایران نیز مراکز کارآفرینی، دانشکده‌ها و رشته‌های کارآفرینی ایجاد شده‌اند. اما نکته حائز اهمیت این است که آموزش کارآفرینی متفاوت از آموزش‌های سنتی بوده و مستلزم به‌کارگیری راهبردهای ویژه‌ای است که در آن دانشگاه، استادان و دانشجویان باید استقلال بیشتری در مورد چگونگی و شرایط یادگیری آن برخوردار باشند. برنامه‌های آموزشی را می‌توان با استفاده از تجارب برنامه‌های آموزشی که کشورهای توسعه‌یافته و سازمان‌های بین‌المللی داشته‌اند، بومی‌سازی و طراحی کرد. بر پایه برخی دیگر از منابع، عدم تناسب محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازارکار، عدم جدیت در آموزش دروس عملی از معضلات عمده این نظام در آموزش کارآفرینی است. (حاجی‌میرحیمی و دیگران، ۱۳۸۸). بنابراین، هماهنگی هرچه بیشتر نیازهای بازارکار با افرادی که متمایل به داشتن کار هستند، با آموزش و ارائه برنامه‌های آموزش کارآفرینی در حین تحصیل در رشته‌های گوناگون میسر می‌شود. آنچه در تدریس دوره‌های کارآفرینی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد این است که دانشجویان را متوجه کارآفرینی و استفاده از فرصت کند.

پیشنهادها

در این بخش، به ارائه راهبردهایی برای حل مشکلات و آسیب‌های توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی پرداخته می‌شود. این راهبردها و پیشنهادها برخاسته از مطالعات مبانی نظری است:

❖ منابع درسی متفاوتی باید برای آموزش کارآفرینی در رشته‌های مدیریتی و در رشته‌های غیرمدیریتی طراحی شود و محتوای آنها باید بنا بر تنوع مخاطبان انتخاب شود.

❖ برای کاهش فاصله میان دوره‌های نظری از جهت توانمندی و مهارت کارآفرینانه، محتوای درسی واحد کارآفرینی دانشگاهی بیشتر بر اجرای فعالیت‌های تحقیقاتی مانند: تهیه پروژه کسب و کار و همچنین آشنایی با کارآفرینان موفق و آموزش خلاقیت و نوآوری، متمرکز شود.

❖ توسعه کارآفرینی و آموزش آن باید یکی از ارکان اصلی سازمان‌های محلی و سازمان‌های عمومی به حساب آید.

❖ از مطالعات و تجربیات کشورهای پیشرفته و در حال توسعه در زمینه آموزش کارآفرینی دانشگاهی و توسعه آن در نظام آموزش عالی که می‌تواند راهکارهای مناسبی برای ایجاد تحول در برنامه آموزشی و درسی نظام آموزش عالی ارائه دهد، بهره‌گیری شود.

❖ تحقیقات در مسیر ارتقاء و کیفی‌سازی آموزش‌های کارآفرینی دانشگاهی در تمام ابعاد از برنامه‌ریزی تا اجراء و ارزیابی قرار گیرد.

منابع

- آراسته، ح. (۱۳۸۲). کارآفرینی و آموزش‌عالی: اصول و موانع. مجله ره‌یافت، شماره ۲۹، ۵-۱۳.
- احمدپورداریانی، م. (۱۳۸۸). *دایرةالمعارف کارآفرینی*، تهران: بنیاد دانش‌نامه‌نگاری ایران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش.
- سند قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰).
- حاجی میررحیمی، س. د. و مخیر، ع. (۱۳۸۸). آموزش کارآفرینی و توسعه آن در نظام آموزش عالی علمی - کاربردی کشاورزی. *فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۹، (۷۱-۸۴).
- حیدری، ا (۱۳۸۳). کارآفرینی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. *فصل‌نامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*. تهران.
- دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) ایران (۱۳۸۷-۱۳۸۸). *ارزیابی فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران بر اساس جی. ای. ام*، نتایج برنامه ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹. تهران: دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
- کوراتکو، داند اف و هاجتس، ریچاردام (۱۳۸۳). *نگرشی معاصر بر کارآفرینی (جلد اول و دوم)*. ترجمه عامل محرابی، ابراهیم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مقیم، ف. (۱۳۸۳). گزارش نهایی طرح ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های مجری طرح کاراد. تهران: سازمان سنجش و آموزش کشور.
- هیستریچ، ر؛ پیترز، پ (۱۳۸۵). کارآفرینی. ترجمه فیض‌بخش، سید علیرضا و تقی‌یاری، حمیدرضا، تهران: مؤسسه علمی انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- Baptista. R., Escária. V., & Madruga. P. (2008). Entrepreneurship, regional development and job creation: the case of Portugal. *Small Business Economics*, 30(1), 49-58.
- Baptista. R., & Preto. M. T. (2007). The dynamics of causality between entrepreneurship and unemployment. *International Journal of Technology, Policy and Management*, 7(3), 215-224.
- Etzkowitz, H., Gulbrandsen, m., Levitt, J., (2000). *Public Venture Capital: Government Funding Sources For Technology Entrepreneurs*. Harcourt- Brace, New York.

- Gibb, A. (2002). Creating conducive environments for learning and entrepreneurship: living with, dealing with, creating and enjoying uncertainty and complexity. *Industry and Higher Education*, 16(3), 135-148.
- Gartner, w. b. & Vesper, k. h. (1994). Experiments in entrepreneurship education: Success and failures. *Journal of Business Venturing*, 9, 179- 187.
- Johnson, B. and L. Christensen (2006). *Education Research: Quantitative, Qualitative and Mixed Approaches*. Needham Heights: Allyn and Bacon.
- Hisrich, R. D. & Peters, P. (2003). *Entrepreneurship (5th ED.)*. New delhi: Tata Mc Graw – Hill.
- Hisrich, R. D. & Peters, P. and Shepherd, D (2005). *Entrepreneurship*, Mc Graw – Hill.
- Hills, G. E (1988). Variations in university entrepreneurship education: An empirical study of an evolving field. *Journal of Business Venturing*, 3, 109-122.
- Rizza, C. & Varum, C (2011). Directions in Entrepreneurship Education in Europe, *XX Jornadas de la Asociacion de Economia de la Education*.
- Katz, J. A. (2003). The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999. *Journal of business venturing*. 18 (2). 283-300.
- Klandt, H.. & Volkmann. C. (2006). Development and prospects of academic entrepreneurship education in Germany. *Higher Education in Europe*, 31(2), 195-208.
- Klatt, L. (1988). A study of small business/entrepreneurial education in colleges and universities. *The Journal of Private Enterprise*, 4, 103-108.
- Kourilsky, M. L. (2004) *Entrepreneurship Education: Opportunity in Search of Curriculum*. Kansas City, MO: Center for Entrepreneurial Leadership, Ewing Marion Kauffman Foundation.
- Solomon, G. T. , Duffy, S. , & Tarabishy, A. (2002). The state of Entrepreneurship education in the United states: a nationwide survey and analysis. *International Journal of Entrepreneurship education*, 1(1), 65-86.
- Webster, s new collegiate Dictionary, available at: www.merriam-webster.com